الله عزوجل مانع حمله ی فیل ها به مکه شد و رسول خود و مؤمنان را بر اهل مکه غالب گردانید؛ بدانید که مکه نه برای کسی قبل از من و نه برای کسی بعد از من، حلال نشده است؛ و فقط بخشی از روز برای من حلال شده است. و اکنون مکه حرام گشته است.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: «وقتی الله متعال مکه را برای رسولش فتح نمود، مردم قبیله خزاعه به خونخواهی مردی از آنان که در جاهلیت کشته شده بود، مردی از بنی لیث را کشتند. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان مردم برخاست و فرمود: «إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ حَبَسَ عَنْ مَكَّةَ الْفِيلَ، وَسَلَّطَ عَلَيْهَا رَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ، وَإِنَّهَا لَمْ تَحِلَّ لأَحَدٍ كَانَ قَبْلِي، وَلا تَحِلُّ لأَحَدٍ بَعْدِي، وَإِنَّمَا أُحِلَّتْ لِي سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ، وَإِنَّهَا سَاعَتِي هَذِهِ: حَرَامٌ، لا يُعْضَدُ شَجَرُهَا، وَلا يُخْتَلَى خَلاهَا، وَلا يُعْضَدُ شَوْكُهَا، وَلا تُلْتَقَطُ سَاقِطَتُهَا إِلاَّ لِمُنْشِدٍ، وَمَنْ قُتِلَ لَهُ قَتِيلٌ: فَهُوَ بِخَيْرِ النَّظَرَيْنِ: إِمَّا أَنْ يَقْتُلَ، وَإِمَّا أَنْ يُودِيَ»: «الله عزوجل مانع حمله ی فیل ها به مکه شد و رسول خود و مؤمنان را بر اهل مکه غالب گردانید؛ بدانید که مکه نه برای کسی قبل از من و نه برای کسی بعد از من، حلال نشده است؛ و فقط بخشی از روز برای من حلال شده است. و اکنون مکه حرام گشته است؛ درختش قطع نمی شود، علف های سبزش بریده نمی شود، گیاهان خشکش نیز قطع نمی شود و مال پیدا شده در مکه برداشته نمی شود مگر کسی که بخواهد دنبال صاحبش بگردد. و اگر کسی در آن کشته شود، اولیای دم مختارند که: یا دیه (خون بها) بگیرند و یا قاتل را قصاص کنند». در این هنگام مردی از اهالی یمن که به او ابوشاه می گفتند، برخاست و گفت: ای رسول خدا، برای من بنویسید. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اُكْتُبُوا لأَبِي شَاهٍ»: «برای ابوشاه بنویسید». سپس عباس برخاست و گفت: یا رسول الله، مگر گیاه اذخر، زیرا ما از آن در خانه ها و قبرهای مان استفاده می کنیم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِلاَّ الإِذْخِرَ»: «مگر اذخر (که کندن آن اشکالی ندارد)».

[صحیح است] [متفق علیه]

ابوهریره رضی الله عنه خبر می دهد که وقتی مکه فتح شد، مردی از خزاعه به خون خواهی شخصی از قبیله آنها که در جاهلیت کشته شده بود، مردی از بنی هذیل را به قتل رساند؛ و اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم برخاست و به ایراد سخنان و مطالبی پرداخت که در حدیث ذکر شده است؛ چنانکه حرمت مکه را بیان نمود و اینکه خداوند متعال مانع ورود سپاه فیل به آنجا شد؛ و آن را برای ساعتی از یک روز برای پیامبرش مباح نموده است و منظور از ساعت، همین ساعت معین و مشخص نیست، بلکه منظور زمان و بخشی از روز فتح مکه است، چنانکه مکه از صبح روز فتح تا عصر آن برای رسول الله صلی الله علیه وسلم مباح بود. و خبر داد که پس از این زمان، حرمت آن به حالت قبلی بازگشته است، در نتیجه خارها و علف های خشک آن قطع نمی شود و گیاهان سبز آن بریده نمی شود، یعنی درختان محدوده حرم قطع نشده و گیاهان خشک و علف های آن قطع نمی شود، مگر گیاه اذخر. و مال گمشده آن برداشته نمی شود، مگر اینکه کسی بخواهد به دنبال صاحبش بگردد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6637